اساس المصلّى



اساس المصلی

Asasul Musalli





بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة
علی رسوله محمد وآله واصحابه اجمعین بدانکه
اسعدک الله تعالی فی الدارین که در فتاوی کبری وناصری وشهابی
ودر فتاوی دیگر ودر صلوة مسعودی مذکور است هر که فرائض وواجبات نماز نداند نماز
او روا نبود و بزه کار گردد وخواجه امام ابو حفص بخاری رحمة الله علیه میگوید
هر که تمام مسئله نداند اگرچه بفعل بجا آرد نمازش روا نباشد و هر که فرق میان
فریضه وسنت نداند او مومن نبود وهر که مومن نبود نمازش هیچگونه روا باشد
وهر که آگاه از روی اعتقاد تمام مسائل صحیح الصلوة نخواند ونیاموزد مومن نشود
ونمازهای گذشته و پسین درست نگردد پس مصلی را لازم است که آن را بداند
شب وروز کوشش نماید تا از عهده آخرت بیرون آید ودر طایفه نادان داخل
نشود ونماز او بدرجه قبول درست افتد وبباید دانست که هرچه فرض است در دانستن
آن فرض است وواجب واجب وسنت سنت ومستحب مستحب داعی کافه
اسلام بدر رکن سند بهی درین مجموعه که مسمی باساس المصلی گردید از فرایض و
واجبات وسنن ومندوبات ومکروهات وضو ونماز بطریق ایجاز واختصار



بعض تنبيهات ١٢



یا الله



از کتب فقه چنانچه فتاوی ذخیره و محیط و مبسوط و کبیری و ناصری و مسعودی و شهابی
و قنیه و منیه و مندوبات و مفید و ترغیب الصلوة و عمدة المصلی و کافی
و سراجی و غیر آن جمع کردم تا مبتدیان را آسانی باشد حق تعالی همه را توفیق بخشد و بیاد کردن
این صحیفه و بیامرزد جامع این را با همه مومنان بحرمت النبی الابرار و آله الاطهار
باب اول در بیان وضو درین باب سه فصل است بدانکه وضو بر چهار گونه است یکی فرایض چنانچه
برای نماز گذاردن و گرفتن مصحف بی غلاف و سجدهٔ تلاوت قرآن دوم واجب
چنانچه برای طواف خانه کعبه و سیوم سنت چنانچه برای خواب رفتن و گرفتن کتابهای
فقه و زیارت قبور و درآمدن درون مسجد و قرآن خواندن بیاد و وضو پیش از
غسل کردن چهارم مستحب چنانچه برای طعام خوردن و زیارت علما و صلحا و برای غسل میت
و چون دروغ گوید و یا غیبت کند و یا خندهٔ قهقهه بیرون نماز فصل اول در بیان
فرایض وضو بدانکه در وضو چهار چیز فریضه است اول رو شستن از رستنگاه موی پیشانی تا زیر
زنخ و از نرمه گوش تا نرمه گوش دویم دو دست شستن تا آرنج سیوم مسح تا ربع
سر کردن چهارم هر دو پای شستن تا شتالنگ و ریش دار را چهارم حصهٔ ریش
مسح کردن فصل دویم در بیان سنتهای وضو بدانکه در وضو سیزده چیز سنت است دو دست
شستن تا بند دست و نام الله تعالی ستیدن یعنی بسم الله العلی العظیم و الحمد لله
علی دین الاسلام در آغاز وضو و مسواک کردن و آب در دهن و بینی کردن و افشاندن
بینی از انگشت خنصر دست چپ و نیت و وضو کردن برای نماز یعنی نویت ان اتوضأ

باب اول [illegible] در بیان وضو درین باب سه فصل است

فصل اول در بیان فرایض وضو بدانکه

فصل دویم در بیان سنتهای وضو بدانکه

نویت ان اتوضأ لرفع الحدث و استباحة الصلوة و تر ببر

شستن و ترتیب وضو نگاه داشتن چنانچه منصوص است یا ایها الذین

آمنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی

المرافق و امسحوا برؤسکم و ارجلکم الی الکعبین یعنی اول

اندام را

رو بشوئید بعده دو دست و بعده مسح سر بکنید و بعده دو پا بشوئید و سنتها کان بار بر

هر اندام

شستن و خلال ریش کردن و مسح گوش کردن نمودن و هر اندام را از راست

آغاز کردن فصل سوم در بیان مستحبات وضو بدانکه شانزده چیز است پیش از وقت نماز

ساختن وضو کردن و روی سوی قبله کردن و بوقت وضو سر برهنه کردن و کلمه شهادت

گفتن و دعاها خواندن در شستن هر عضوی و بدست راست در بینی آب رسانیدن و بدست

چپ افشردن و سر انگشتان در سوراخ گوش بوقت مسح درآوردن و انگشتری

جنبانیدن اگر گشاده باشد و اگر تنگ باشد جنبانیدن فرض است و وضو بر وضو کردن

و کار وضو بخود کردن و اوند چون خالی باشد پر کردن و آبی که فاضل ماند خوردن و سه بار

بعد وضو سوره قدر خواندن و تحیة الوضو گذاردن و نیت تحیة الوضو برین گونه کند

نویت ان اصلی لله تعالی رکعتی صلوة النفل تحیة الوضوء شکرا لله تعالی

عبادة لله متوجها الی جهة الکعبة الشریفة الله اکبر و دعا خواندن

و شانه کردن فصل چهارم در بیان مکروهات وضو بدانکه سه چیز است بوقت وضو

سخن دنیا بگوید گفتن و آب بسیار ریختن و بسختی آب بر روی دادن و از آب

گرم آفتاب وضو کردن و بوقت شستن روی چشم سخت پوشیدن و از آوند مسی

وضو کردن و در جای بول استنجا کردن و در جای استنجا وضو کردن و در جای استنجا وضو کردن

و از سه بار زیاده شستن **فصل پنجم در بیان آداب مبرز** چون خواهد که بمبرز رود باید که

بعیت و یک آداب نگهدارد در بیرون شود و آستین تا بالا کند و نعلین چوبین پوشد

و از خود کاغذ دور کند و مهری که در و نام خدا و رسول خدا یا آیتی چون حروف قران باشد

و از خود جدا کند و از شر شیطان بیندیشد که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ

مِنَ الرِّجْسِ النَّجَسِ الْخَبِیْثِ الْمُخْبِثِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ چون از ان خانه

باز گردد این دعا بخواند غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ اِلَیْكَ الْمَصِیْرُ و اول پای چپ

درون آورد و روی و پشت جانب قبله و ماه و مهر نکند و دست چپ زیر زنخ کند و بار

بر پای چپ کند و خوی کاشانه افکند و خط بر زمین نکشد و سوی عذره ننبیند و درم شمارد

و مسواک نکند و کلام نکند و خود را بسیار برهنه نکند و بول آهسته رها کند چنانکه ترشح

بر جامه نرسد و بعد از فراغ خود را بسنگ یا بکلوخ یا بجامه کهنه که از و نفع رفته باشد یا بجای

پاک کند چندان ابساید که تری نماند و در شمار نزدیک علمای ما شرط نیست و اگر بیک سنگ

پاک شود بسنده بود و عذره بپوشد و بوقت فارغ پای راست اول بیرون کشد

فصل ششم در بیان استبرا احتیاط کند و چند کلام بزند و از فرو سوی خصیه بساید

تا زود فارغ شود و اگر او را وسواس باشد در خشک از راه آب زند و در سوراخ

ذکر پنبه نهد و زنان نیز جامه یا پنبه برگیرد و اگر نفس زنان ساس مزاج است که میچکد پرده دار

پرده داشتن واجب بود و اگر خشک مزاج است پرده داشتن او را سنت است

واین سنت مادر مومنان عایشه است رضی الله عنها از پیغمبر علیه السلام پرسید

فرمودند داشتن پرده راسته محل است درون رحم و بیرون پیش رحم و در فرج خارج

هرجاکه او را آب امساک کند همانجا پرده دارد والله اعلم **فصل هفتم در بیان مخرج**

یعنی جای پلید بیرون آمدن او تر شود بیش از درم شرعی بآب شستن فریضه بود و اگر

مقدار درم شرعی باشد شستن واجب و اگر کم از درم باشد شستن سنت

فصل هشتم در بیان مکروهات استنجا استنجی کردن بطعام و نمک و غیر آن و سرگین

و استخوان و انگشت و سفال و بگیاه سبز و بحق غیری و بدیدن خلق و مقابل قبله

فصل نهم در بیان شکننده وضو بدانکه سی چیز است از پیش شش بول و منی

مذی و ودی و خون و سنگ ریزه و از پس پنج غدره و باد و خون و کرم و زرداب و ناسور

و از بینی سه چیز است خون و ریم و مغز و از دهن سه چیز است قی پری دهن

و خون و ریم و از تن پنج چیز است خون و ریم و زرداب و مار و اگر خون یا زرداب

بیرون آید و از گوش هرچه بیرون آید اگر درد کند و شش چیز دیگر است خواب

بیهوشی و مستی و دیوانگی و خنده قهقهه در نماز سوای جنازه و مباشرت فاحش

چون نفس مرد در اندام زنان برسد بی دخول و بی انزال **باب دوم در بیان فرایض**

دخول

درین باب هست فصل است پنج وقت نماز بحکم نص قران و خبر بر جمیع

مومنان مرد و زن که عاقل و بالغ اند فریضه است و هرکه از فرایض منکر شود او کافر گردد

نعوذ بالله منها **فصل اول در بیان فرایض نماز** بدانکه آن سیزده است شش چیز بیرون نماز است آنرا اعظام گویند آن پاکی تن از حدث و نجاست و پاکی از حدث جامه و پاکی جا و پوشیدن عورت از ناف تا زانو مردان را و زنان حره را تمام تن مگر روی و دو کف دست و دو قدم و کنیزرا از ناف تا زانو و پشت و شکم و شناختن وقت نماز و روا آوردن بقبله و نیت نماز کردن و آن شش چیز که درون نماز است آنرا ارکان گویند چنانچه تکبیر اول و قیام و قرات و رکوع و سجود و قعده اخیره مقدار تشهد و بیرون آمدن از نماز بفعل مصلی و ترتیب ادای رکنها چنانچه اول قیام است بعده رکوع بعده سجود این قول امام زفر است تا اگر بعد تکبیر رکوع کند پس باستد نزد او نمازش باطل گردد و در کافی و شافی قول زفر مختار کرده است نزد علمای ثلثه باطل نشود **فصل دویم در بیان واجبات نماز** و آن سیزده چیز است خواندن سوره فاتحه و ضم کردن سوره و تعین کردن قرات در دو رکعت اول و قرار گرفتن قدری در رکوع و سجود که سه بار تسبیح توان گفت و بروایتی مقدار یکبار و دو سجده یکجا کردن و در جای آهسته آهسته خواندن و در جای بلندی بلند و در قعده اولین مقدار خواندن التحیات تا عبده و رسوله نشستن و دعا قنوت خواندن و بلفظ سلام بیرون آمدن از نماز و تکبیرات رکوع و سجود گفتن و تکبیرات عیدین گفتن

و در وتر

فصل سیوم در بیان سنتهای نماز و آن سی و دو چیز است از آن هشت چیز در قیام است دو دست برای تکبیر اول برداشتن و زیر ناف دست بستن و دست چپ را زیر دست راست داشتن و سوی سجده گاه نگریستن و ثنا گفتن و تعوذ گفتن و تسمیه گفتن و آمین گفتن امام و جماعت را

فصل اول در بیان فرایض نماز

فصل دوم در بیان واجبات نماز

فصل سیوم در بیان سنتهای نماز

امام و جماعت را و هشت چیز در رکوع است تکبیر گفتن و دو زانو گرفتن و سر را برابر
داشتن و سه بار تسبیح گفتن و سوی قدم نگریستن و چشم گشادن و در قومه رفتن
و ربنا لک الحمد گفتن و هشت چیز که در سجده است تکبیر گفتن و سجده از هفت اندام
کردن چنانچه سر و دو دست و دو زانو و دو پا و اول بینی را بر زمین نهادن بعده پیشانی
و سوی بینی دیدن و سه بار تسبیح گفتن و چشم گشادن و دو دست برابر کتف داشتن
و ناخنها سوی قبله داشتن و هشت چیز در قعده است پای چپ گسترانیدن و پای راست
ایستادن و دستها بر زانو نهادن و روی انگشتان سوی قبله کردن و سوی کنار دیدن
و درود گفتن و بهر دو جانب سلام دادن و وقت سلام جانب کتف دیدن

فصل چهارم در بیان مستحبات

و آن سه چیز است اِنِّیْ وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِیْ
فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا وَّمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ گفتن
و از سه آیه زیاده خواندن و در قعده اخیره بعد درود اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ الخ خواندن

فصل پنجم در بیان آداب نماز

و آن بیست و یک است وقت تکبیر اول و دستها
از آستین بیرون کردن و کف دستها سوی قبله داشتن و انگشتان جنبانیدن
و استاده کردن و سر انگشتها برابر گوش رسانیدن و بوقت تکبیر گفتن سر اندک
نگون کردن و مقدار چهار انگشت در میان قدم گشاده گذاشتن و بوقت
خمیازه لب بدندان گرفتن یا از پشت دست دهن پوشیدن و تا تواند سرفه را دفع کردن
و بوقت گرفتن زانو ها انگشتان دست گشاده داشتن و سجده چنان کردن که هم زور

سجود است

فصل چهارم در بیان مستحبات

فصل پنجم در بیان آداب نماز

بر پیشانی و کف دستها آید و هر ذکری که در هر رکن هست بعد از ان رکن تمام کردن و بوقت
سجده رفتن اوّل زانوها بر زمین نهد بعده دو دست بعده سر اوّل بینی بعده پیشانی و چون
بر دارد اوّل سر بعده دستها بعده زانو و چون در جماعت نماز کند در حالت قعده کف پا
بدامن پیراهن بپوشد و بلند چنان خواند که صف اوّل بشنود و در نماز غائب الستادن
و تن ناجنبانیدن و سوره درست خواندن و تسبیحات رکوع و سجود یکسان گفتن
و سلام چنان دادن که سپیدی رخ او آنکس ببیند که پس پشت باستد و سلام
دوم از سلام اوّل آهسته دادن فصل ششم در بیان سجدهٔ سهو هر چه از فرایض
نماز ترک شود فاسد گردد و هر چه از واجبات ترک شود اگر بعمدا ترک کند نماز روا باشد
با نقصان و آنکس بزه کار گردد و اعادت کردن آن نماز واجب باشد و اگر بسهو
ترک کرده باشد یاد آمد سجده سهو بجا آرد تا نماز از نقصان درست شود و اگر سنتی
بسهو ترک شود بیاد کردن آن نماز سنت اگر اعادت نکند بزه کار نشود اندکی از ثواب
رود و اگر عمدا ترک دهد درست باشد و آن کس را حرمان شفاعت بود فاما بزه ندارد و اگر
سنت رود بزه نباشد اندکی از ثواب محروم فصل هفتم در بیان مکروهات نماز بدانکه مکروهات
نماز بسیار است تا مصلّی فرایض و واجبات و سنن و مندوبات بجا نیاورد از مکروهات
ایمن نباشد و در خبر عمر ابن خطاب می‌آید که پیغمبر فرمود صلی الله علیه و سلم صَلُّوا کَمَا
رَأَیْتُمُونِی أُصَلِّی یعنی نماز چنان بکنید که من میکنم پس درین فصل یکصد و بیست و هفت
مکروهات بدو جا نوشته و مکروه در فرایض سخت تر است از نوافل مکروهات لباس و آن سی و دو است

فصل ششم در بیان سجدهٔ سهو

فصل هفتم در بیان مکروهات نماز

متوص

واکرسه و دو است جامه لعل و زرد و ابریشم قزین و جامه باریک که وجود نماید
اکر و رای محل عورت باشد روا است و زنان را دران جامه نماز کذاردن روا نباشد
وجامه غصب و دزدیده و امانت و جهود و ترسا و کافر و موی بند ابریشم و جامه
کهنه باوجود نو جامه کمینه باوجود جامه مهین وجامه از غایت ریمکین باوجود جامه سپید
وتن برهنه و سر برهنه ویا کلاه باوجود دستار ویا پیراهن تنها باوجود ازار ویا ازار
تنها باوجود پیراهن ویا جامه زرین ویا کمربند زرین یا اسلحه یعنی زراندود باشد که
محال ارزر باشد ویا جامه هندوی باوجود جامه پارسا ونابسته بند قباجه وقبا و بارانی
وجبه ویا چادر بر کتف بود هر دو طرف لفان ویا آستینها لفان ویا در جامه قمار ویا
در جامه کسی که نماز نمیکذارد ویا جامه بر سر چون زنان مکی و بابت مقام وآن جهل نو
دو است در زمین غصب وخصومت و در زمین جهودان و ترسایان و
مغان و کافران بی اجازت در محل سکونت ایشان و بر غرفه مسجد چون فرود
جای باشد و از جهت کرما بر بام مسجد که بوقت نماز بجنبد و در مسجد یکه بینش او کلی باشد
یا بر بامی که زیر او نجاست باشد یا بر کین و در جای که نشستن شتران و کاوان و کوسفندان
و با پایکاه اسپان و در کرمابه و مقبره و کوچه و بتخانه و کلیسیا خانه و معبدگاه نصرانی
بیع خانه و سلاح خانه و چون کور پیش باشد ویا حیوانی یا بت یا آتش یا صورت
یا شمع یا چیزی دیکر مانندان ویا در صحرا بغیر ستره و در خانه که مزامیر باشد ویا خرس یا
سک نشسته باشد یا می یا نرد ویا شطرنج ویا در مقامی که بوی بد پدید باشد ویا در خانه منقش

ویا در خانهٔ تاریک برای غیر نفیه و سُتره که نزدیک نصب کرده باشد و در خانهٔ که مشغله
بسیار باشد ویا در خانهٔ که آسیا باشد و مکروهات تحریمه و آن هفت است بوقت
تکبیر اوّل دستها در زیر آستین در داشتن و بالای سر از گوشها آوردن ویا برابر کتف
ویا بر داشتن مگر زنان را و انگشتان ناکشادن و دستها بر سینه آوردن و جای اکبر
اکبار گفتن نزدیک بعض نماز روا نباشد درین صورت نزد بعض در اکبار گفتن نماز
فاسد شود مکروهات قیام و این پانزده است میان دو قدم فرق از چهار انگشت
زیاده گذاشتن ویا هر دو پا ضم کردن ویا دست راست بر ناف یا بالای ناف بستن
مردان را ویا دستها الفان داشتن و جیب و راست جنبیدن ویا زور بر یک پا کردن
ویا قدم بر قدم نهادن و بر سر انگشتان ایستادن و دست بر کمر داشتن ویا پس پشت
دست در بستن و تکیه بر دیوار کردن و بدست دم بدم خاریدن مکروهات قرات
و آن پانزده است از فرود سوره بالا خواندن و سخت و تعجیل خواندن و نیز آهسته
تر خواندن چنانچه یکان یکان حروف و قراة بسیار خواندن چنانچه جماعت به تنگ آید
و یک سوره در میان گذاشتن در یک رکعت و سوره تمام ناخواندن و سوره ها
و تسبیحات بانگشت شمردن و در هر رکعت از آخر سوره خواندن و کم از آیات
خواندن و ثنا و تعوذ و تسمیه و آمین ناگفتن ویا نفسه خواندن مکروهات رکوع سیزده
تکبیر ناگفتن و دستها بالا تر زانو گرفتن و انگشتها فراخ نکردن و سر با سرین برابر نداشتن
و سر بالا کردن و کم از سه بار تسبیح گفتن و چشم پوشیدن و سوی قدم نادیدن و برای قومه

و برای قومه راست نه ایستادن و سمع الله لمن حمده ناگفتن و در غرض زیاده از سه بار

تسبیح ناگفتن و یا پیش از امام سر برآوردن و برای سجده رفتن و از زانو تا جامه

بالا کشیدن و خود را عمداً گرد در رکوع جنبانیدن و مکروهات سجده آن دوازده است

تکبیر ناگفتن بوقت سجده یکبار از زمین برداشتن و چشم پوشیدن و سوی بینی

نادیدن و دستها مقابل زانو نهادن و در نماز فرض زیاده از سه بار تسبیح گفتن و

ناخنها سوی قبله ناکردن و شکم بر ران نهاده داشتن و بازو تا به بغل چسپانیدن و هر دو

آرنج بر ران نهاده داشتن و بازوها بر زمین گسترانیدن و برای جلسه راست

نه نشستن و مکروهات قعده و آن سیزده است و هر دو پا گسترانیدن

و هر دو پا یکجانب کشیدن مردان را و بر سرین نشستن و مانند سگ نشستن

و سوی کنار نادیدن و پیش از سلام پیشانی پاک کردن اگر تشویش نباشد و بعد

التحیات ادعیه بغایت بسیار خواندن چنانچه جماعت به تنگ آید و در قعده

بر دیوار تکیه کردن و یا بر ستون و درود ناگفتن و وقت سلام کتف نادیدن و جوان

دست بر ران دارد انگشتان کشاده ناکردن و انگشتان الفان کردن و سر را بجانب

نگون کردن و مکروهات دل و آن خمس است خیال زنان کردن و نیت خمر و گناه

و کسی را دعای بد کردن و خیال بهشت و دوزخ کردن و مکروهات عام و آن

سی جز است بوقت تنگ نماز گذاردن و جوره و جعد کردن کرد

پس تفابستن و هر بار تنحنح کردن اگر خوف پیدا نشود و دست بر محاسن بردن

و چپ و راست دیدن و بنوک چشم نگریستن و برای خواب سر را جنبانیدن و یکبار
یا دو بار خارانیدن و گوشش جانب سر بود و یا بی داشتن و کردن سر پاره جامه بستن و باقی
برهنه گذاشتن خبانخچ میانه دستار و خازه بتکلف آوردن و برای سجده سنگ از
سجده گاه دور کردن و خلال کردن و انگشتان شکستن و بوقت کاهل و خواب آلود کا
نماز گذاردن و با حاجت بول و غایط نماز گذاردن و بعد خوردن طعام دهن نا شسته
نماز گذاردن و در صحرای بی ستره نماز گذاردن و زبان را در دهن جنبانیدن و در
نرمگاه خوردگان و در پلیدی و خر دار دیدن و بجانب نوشته دیدن و خم کردن و بوقت
خازه تا دهن نا پوشیدن و چون طعام طیار باشد گذاشته نماز گذاردن و خوی اندا خلق
و بینی افشردن فصل هشتم در شکننده‌های نماز و آن سی چیز است سخن بعمدا
گفتن و سلام دادن عمدا و جواب سلام دادن خواه عمدا خواه سهوا و خوردن و آشامیدن
و از درد نالیدن و گریه بلند کردن از درد مصیبت نه از ذکر بهشت و دوزخ و آه آه کردن
و جواب عطسه یرحمک الله گفتن و در یک رکن سه بار خارانیدن و دستار بستن
و ازار بستن و قرات از مصحف خواندن و سجده بر نجس کردن و دعای سحری
خواندن و از مردم سوال کردن و به عمل کثیر و یا در فرج خود یا در فرج غیری دیدن و
پیراهن پوشیدن و کشف ربع پشت و شکم و ساق و ران و ربع گوش و ربع پستان از آن
زن و ربع از عورت غلیظ مرد و زن و خندیدن خبانخ خود بشنود و تنحنح کردن اگر حروف
پیدا شود و چون سوار نفل گذاردن که پیابی جابجا کردن یا نافه مشک [illegible]

فصل هشتم در شکننده‌های نماز

یا نافه مشک که تر باشد بیش از درم شرعی با خود داشتن و ترک فریضه از فرایضهای نماز و
حدث کردن عمدا و سه بار موی کندیدن بیک رکن و سنگ زدن و چون با تیمم
نماز گذاردن از یافتن آب



جمعه
تمام شد روز دلفروز نسخه آداب الـ
جمعه به هنگام ... و نیم پگاه
روز بیست و دویم
شهر رجب المرجب
سنه ۱۲۰۹ هجری
بجهت تعلیم برخوردار
نور الابصار شیخ نور الله زاده
نوشته شد کاتبه حقیر جبر الله
ابن شیخ محمد رفیق مهاجرین
عفو الله له

فرایض ندانی شوی در قلق

اجحسّ نوق تتق رسق

جو واجب ندانی شوی در خطر

فضت تقت لقت جسر

جو سنت بدانی شوی معتقدا

ثاوت تثة تسة دکرا

ز بنیاد ایمان نداری خبر

کنفرزح بدانی شوی معتبر

شکننده و منولیت

بکر موتش غبك بد خج تازق همق

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد ثنای کبریای که ذاتش موحد کاینات و صفاتش مظهر مخلوقات است
و درود سرور ثقلین صلوة الله علیه و سلام که هر یک علت غائی زمین و زمان
و خلاصه جان و جهان است و اولاد کرام او که هر یک بصیقل سیادت منور و
مصفا اند و یاران او که بخلعت اَصْحَابِي كَالنُّجُومِ بِأَيِّهِمُ اقْتَدَيْتُمُ اهْتَدَيْتُمْ
سزاوار و مستحق خلافت و نیابت گشتند بنده عاجز خاکپای طلبا و دعاگوی مسلمانان
عامی بی سر و سامان مرید الحق مینماید که اکثر اوقات یاران خدا پرست بخطاب باصواب
این بنده راجی ثواب را مخاطب می نموده اند که در بعض عبادات چنانچه نماز جمعه و غیره اختلاف
بسیار واقع هست در آدای آن تردد و اضطرار می انجامد اگر موافق معمول باعتبار زمان و
مکان و وجود شرایط و عدم آن در تحریر آورده شود دران عمل بکار آید و نیز بعض عبادات
چنانچه نماز جنازه و غیر آن که غیر معتاد است و قلیل الوقوع و وقت اتفاق احتیاج بکتابهای
طویل می افتد و این خالی از تکلیف نیست پس اگر موضح کرده شود موجب آسانی کار است
و نیز بعض از سنن و مستحبات و تسبیحات و ادعیه ماثوره که موجب قرب درگاه الهی است
جل شانه و نیز در حین تحریر آورده شود بنده اگرچه سلیقه این نداشت برای خاطر عزیزان
این همه را از کتابهای متداوله بر آورده مرتب بچهار باب نمود باب اول در مسائل نماز جمعه

این باب مشتمل است بر فصول ثلثه باب دویم در بیان مستحبات وغیره و این مشتمل است
بر فصول سته باب سیوم در بیان تسبیحات در یک فصل است باب چهارم در اخلاق
حمیده در و نیز یک فصل است باب اول در بیان نماز جمعه و در باب ثواب و اجر جمعه
سرور عالم صلی الله علیه وسلم فرموده من ادرک الجمعة فله اجر مایة
شهید یعنی هر که دریابد بعض جمعه پس مر او راست اجر و ثواب صد شهید باید دانست نماز
که در ادراک بعض اینقدر ثواب است و در تمام و کمال آن چه مقدار خواهد بود و نیز در ترک آن
شرع وعید فرموده من ترک الجمعة بغیر عذر طبع الله فی قلبه
غشاوة یعنی هر که در ترک آرد نماز جمعه را بی عذر شرعی مهر کند و ثبت نماید الله تعالی
در دل او پرده حجاب که باعث دوری و محرومی از درگاه الهی است درین باب سه فصل است
فصل اول در بیان نماز جمعه در بیان نماز جمعه که عوض نماز پیشین است چهار ده رکعت
شرایط اول چهار رکعت سنت مطلق نه نام جمعه نه نام ظهر بگیرد بشرط فقدان شرایط و بوجود
شرایط نام جمعه داخل نیت کند و نیت این است نویت ان اصلی لله تعالی
اربع رکعات سنت رسول الله تعالی متوجها الی جهة
الکعبة الشریفة الله اکبر بعد ازان چهار رکعت سنت جمعه بگذارد
بدین نیت نویت ان اصلی لله تعالی اربع رکعة صلوة الجمعة
سنت رسول الله تعالی متوجها الی جهة الکعبة الله اکبر
باید دانست که بر تقدیر شک چهار رکعت بنیت ادای ظهر باید کرد بدین طریق

بدین طریق نویت ان اصلی لله تعالی اربع رکعات صلوة
فرض الظهر الذی ادرکت وقته و لم اصلی بعد متوجها الی
جهة الکعبة الله اکبر باید دانست که در چهار رکعت قرائت بیارد برای
احتیاط و وقتی که خطیب متوجه منبر گردد از نماز و کلام و غیر آن باز ماند و چهار رکعت که
قبل از دو رکعت فرض است و در وقت خطبه نگذارد که مکروه است و چون خطیب
از خطبه فارغ شود نیز نگذارد که مکروه است اگر کسی امام را در قعده دریافت یا در سجده
سهو با او پیوست در نماز رسیده باشد دو رکعت را تمام کند و نماز پیشین نگذارد
مگر نزد شک چنانچه گذشت بدانکه پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرموده هر که چهار فعل
روز جمعه بجا آرد او را بهشت برند یکی صوم دویم صلواة جمعه سیوم بیمار پرسی
و چهارم نماز جنازه والله اعلم بالصواب فصل دویم در بیان نماز عیدین
بدانکه نماز عید واجب و کفایت است از قبیله یک کس بر آید از ذمه تمام قبایل
گذرد و در عید فطر بعد از افطار نماز است و افطار قبل طلوع آفتاب مکروه است
غسل و جامه نفیس بر حسب طاقت و استعمال عطریات بموجب یافت سنت است
اما روایت چون جامه پوشد این دعا بخواند اللهم انی اسئلک من خیره
و خیر ما هو له و اعوذ بک من شره و شر ما هو له الحمد
لله الذی کسانی هذا و رزقنی من غیر حول منی و لا قوة
چنین پوشیدن ازار معوذتین بخواند و وقت بستن دستار آیة الکرسی بخواند

و وقت پوشیدن پیراهن الم نشرح بخواند و هنگام بستن کمربند سورهٔ اخلاص
چون سوی مسجد در عید الفطر متوجه شود در ابتدای راه تکبیر آهسته بخوانند تا که بمسجد رسد
سیوای نماز عید بنماز دیگر مشغول نشود و نه در خانه و نه در عیدگاه از روز فجر عرفه تا عصر
سیزدهم که بیست و سه نماز است پس بر فرض تکبیر گفتن واجب است بشرطی که نماز بجماعت
مسجد کرده باشد یعنی جماعت مردان تکبیر اینست الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر
و لله الحمد نماز عید دو رکعت است در ترجمه تکبیر نیت اینست نویت ان
اصلی لله تعالی رکعتی صلوة العید واجب لله تعالی مع تسع تکبیرات
اقتدیت بهذا الامام متوجها الی جهة الکعبة الشریفة الله اکبر چون از نماز
بگردد خلاف راه اول بگیرد سنت است و عید الضحی مثل عید الفطر است
مگر آنکه تکبیر اینجا باواز بلند گوید و افطار بعد از نماز و قربانی کند و اگر امام را
در رکوع یافت تکبیر اولی را که تحریمه است در رکوع آرد بی تسبیحات رکوع
تکبیرات را مقدم دارد و اگر در قیام یابد تکبیرات که نه آورده در قیام آرد والله
اعلم بالصواب فصل سیوم در بیان نماز جنازه است که فرض کفایت است.
بدانکه فرض دو نوع است فرض عین و فرض کفایت فرض عین آنست که تا خود
بجا نه آرد از و ساقط نشود و فرض کفایت آنست که یک نفر یا دو نفر از مسلمانان
بجا آرد از گردن همه ساقط شود و در نماز جنازه چهار تکبیر است نیت اینست
نویت ان اودی اربع تکبیرات صلوة الجنازة و الثناء لله تعالی

والثناء لله تعالى والصلوة على النبي والدعاء لهذا الميت

اگر مرده زن باشد بجای هذا المیت لهذه المیتة گوید بعد تکبیر اول سبحانک

اللهم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدک وجل ثناؤک

ولا اله غیرک بخواند وتکبیر دوم اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد

وبارک وسلم کما صلیت وسلمت وبارکت ورحمت

وترحمت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید

بخواند بعده تکبیر سوم اللهم اغفر لحینا ومیتنا وشاهدنا وغائبنا

وصغیرنا وکبیرنا وذکرنا وانثانا اللهم من احییته منا فاحیه

علی الاسلام ومن توفیته منا فتوفه علی الایمان برحمتک یا ارحم

الراحمین واگر مرده صغیر باشد این دعا بخواند اللهم اجعله لنا فرطا

واجعله لنا اجرا وذخرا واجعله لنا شافعا ومشفعا

واگر دختر باشد اجعلها لنا آخر بگوید در بیان سنن و مستحبات درو

شش فصل است فصل در بیان نماز اشراق است ابتدای وقت آن طلوع آفتاب

مقدار یک نیزه که در شعاع او زردی بسفید تبدیل یابد دو رکعت یا چهار رکعت

بگذارد نویت ان اصلی لله تعالی رکعتی صلوة الاشراق

سنت رسول الله تعالی متوجها الی جهة الکعبة الله اکبر

ودر قرائة مختار است هر چه داند بخواند ودر بیان نماز چاشت قال النبی

قال النبي صلی الله علیه وسلم أیعجز أحدکم عن أربع رکعات

أول النهار آیا عاجز شود یکی از شمایان از چهار رکعت نماز از اول روز

که ثواب بسیار است یعنی البته در روی مداومت نماید و وقت نهایت او یک و نیم پاس

چهار رکعت بیک سلام نیت این است نویت أن أصلي لله تعالی

أربع رکعات صلوة الضحی سنة رسول الله تعالی تا آخر رجوع

دارند بخواند بعد از فراغ این دعا بخواند اللهم بک أحاول وبک أحاول

و نیز صد مرتبه بگوید اغفر لي وتب علي إنک أنت التواب الغفور الرحیم

در بیان نماز اوابین میان مغرب و عشا میان معر قال النبي علیه السلام

من صلی ستة رکعات بعد المغرب قبل أن یتکلم غفر له ذنوب

خمسین سنة وکتب من الأوابین شش رکعت است به سه سلام

نیت این است نویت أن أصلي لله تعالی رکعتي صلوة الأوابین

سنة رسول الله تعالی در هر رکعت سه مرتبه سورهٔ اخلاص بخواند فصل در بیان

نماز تهجد و وقتش از ابتدای یک پاس شب زیادکم دو ساعت تا آخر لیل اکثر دوازده رکعت

اقل چهار رکعت و نیت آن این است نویت أن أصلي لله تعالی رکعتي

صلوة التهجد سنة رسول الله تعالی تا آخره و اختیار بعض قراءة سورهٔ

اخلاص و در رکعت اول یک مرتبه بخواند و دوازده رکعت دوازده مرتبه بشش سلام

تمام کند و مختار آنست که بهر چه داند بخواند فصل در بیان نماز استخاره که سنت است

که سنت است برای طلب خیر در کفایت جمیع جمله امور چنانچه سعادت بنی آدم در استخاره است

و شقاوت بترک آن استخاره نماز است و دعا و وقت شام یا وقت خفتن تا سه روز

بکند دو رکعت است و در رکعت اول بعد فاتحه قل یا ایها الکافرون و در دوم رکعت

بعد فاتحه سورهٔ اخلاص بعد سلام این دعا بخواند اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک

و بقدرتک و اسألک من فضلک العظیم فانک تقدر و لا اقدر و تعلم

و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر

خیر لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری و ان کنت تعلم ان

هذا الامر شر لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری او

عاجل امری و آجله فاقدره لی و یسره لی ثم بارک لی فیه

اللهم و اصرفه عنی و اقدر لی الخیر حیث کان ثم ارضنی به نام کرد حاجت خود را

بخواند یکان قول خود که هذا الامر فصل ششم در بیان دعاء متفرقه که در اوقات حاجات

بخواند چون شخص اهل بلا را مبتلا بیند بخواند الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک

به و فضلنی علی کثیر ممن خلق تفضیلا و برای فراخی معیشت بخواند بسم الله

علی نفسی و مالی و دینی اللهم ارضنی بقضائک و بارک لی

فی ما قدر لی فیها حتی لا احب تعجیل ما اخرت و تاخیر ما

عجلت و در وقت فراخی روزی بخواند اللهم انی اسألک من

فضلک و رحمتک فانه لا یملک الا انت و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

هنگام غلبهٔ دین و کثرت اندوه این دعا بخواند اللّهم انّی اعوذ بک
من الهمّ والحزن واعوذ بک من غلبة الدّین وقهر الرجال
برحمتک یا ارحم الراحمین. چون بگورستان گذر کند این دعا بخواند لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو
حیّ لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر وهم‌چنین
برای ملاقات سلطان و امرا بود این دعا بخواند اللّهم انّی اسألک
بخیرک من غیره اعوذ بک من شرّه بلا اله الا الله وحده
لا شریک له ونستعین بک بلا حول ولا قوّة الا بالله
العلی العظیم و بدیدن شیر بخواند بکرم الله امان یا بد الله اکبر اعزّ من
کلّ شرّ واعوذ بالله من شرّ ما اخاف واحذره فصل در بیان
تسبیح در و یک فصل است در عمده آورده است هر که بعد از فریضه آیت الکرسی بخواند
حق تعالی جان آن بنده را بی واسطهٔ فرشته قبض کند باسانی و بعد بیرون آمدن میفرماید که
ببرید او را به بهشت برند و در کتب حدیث مذکور است هر که بعد از هر فریضه نماز سی و سه بار
سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار الله اکبر و یک بار لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الحمد وهو علی کل شیء قدیر بخواند حق تعالی جملهٔ گناهان وی بیامرزد
اگر چه گناهان او مقدار کف دریا باشد و در حدیث نیز مذکور است افضل الکلمة عند الله
سبحان الله یعنی بهترین کلامها نزد خدا کلمه سبحان الله ثواب آن بیشتر است و کل

وقال النبي عليه السلام كلمتان خفيفتان على اللسان وثقيلتان
على الميزان حبيبتان عند الرحمن وهو سبحان الله والحمد لله
گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که دو کلمه سبک اند بر زبان و گران اند بر میزان دوست
داشته شده رحمان و آن کلمه سبحان الله والحمد لله در صلوة مسعودی آورده است
که هر که بعد از نماز وتر سه بار این کلمات بگوید ثواب هشتاد سال نماز نفل در دفتر
اعمال او نویسند کلمات اینست توکلت على الله الملك الحي الذي
لا يموت سبحان الله والحمد لله رب العالمين روایت است از پیغمبر خدا
صلی الله علیه وسلم که فرمود هر که سبحان الله صد بار بگوید هزار نیکی در دفتر اعمال او نویسند
و هزار گناه از دفتر او محو کنند فصل در بیان اخلاق حمیده قال النبي صلى الله عليه وسلم
خصلتان لا شيء افضل منهما الايمان بالله والخضوع
للمسلمين فرمود پیغمبر خدا دو خصلت است که از همه خصلتها بهتر است یکی ایمان
آوردن بوحدانیت خدا با همه اسماء و صفات و دویم فروتنی کردن از مسلمانان پس بدترین
خصلتها این دو خصلت است که شرک بخدا آوردن و آزار بی موجب شرع درحق است المسلم
من سلم المسلمون من يده ولسانه مسلمان آنست که مسلمانان
از دست و زبان او سلامت باشند باید دانست که حق مسلمانان بر حق ذات خود
بر حق خدا مقدم باید داشت مثله شخصی در نماز استاده است و مسلمانی در آب غرق می شود
باید که ترک نماز کرده آن مسلمان را از غرق شدن برهاند زیرا چه نماز حق خدا است و خدا از حق بی نیاز است

اقل مراتب علاقت با مسلمانان آنست که آنچه بر ذات خود روا ندارد بر دیگری پسند ندارند

چون سخن از دین احمد میکنی　با همه آن کن که با خود میکنی　قال النبی علیه السلام تعالی

علیکم بمجالسة العلماء واستماع کلام الحکماء فان الله

یحیی القلب المیتة بنور الحکمة کما یحیی الارض بماء المطر یعنی

بر شما لازم کنید شمایان صحبت علما را شنیدن کلام حکما زیرا چه خدای تعالی زنده میکند

دل مرده را بنور حکمت چنانچه زنده میکند زمین خشک را با آب بدانکه صحبت نیکان را

اثری است عظیم و باعث قرب درگاه کریم این مثل بدیهی است باید بدل آورد

که بیضه مرغ از مرغ زاید باز چون از صحبت او متفرق شود صورة نپذیرد چون چند روز

در مصاحبت او تربیت یابد مانند او مشکل و موجود شود قال النبی صلی الله علیه وسلم

مَنْ اَصْبَحَ وَهُوَ یشکو بضیق المعاش فکانما یشکو ربه

ومن اصبح ساخطا لامور الدنیا فقد اصبح ساخطا علی الله

یعنی هر که صبح کرد و شکایت تنگ معاش خود نمود گویا که شکایت خدای کرد و هر که صبح کرد

و ملول آورد از کار دنیا پس گویا که ملول بر خدا آورد باید که در رسیدن مضرت از

حضرت باعزت روی ملال نکند که باعث محرومی است و از تنگی متوجه و مرتکب

شکایت نگردد که درین انکار قسمت لازم می‌آید بیت هر چه بقسمت ز ازل آن نشست

رنج مکش دل که بدامان نشست　پس نشاید که بنده بر قسمت خلاف مرضی مطلب حقیقی

جوید بیت خداوندا زایشان [illegible]　که راضی بقسم خداوند [illegible]



محمد خان

چو خامه جدا مند خاسم شده   ازان بهر که کرد ید عاشم شده

تمت تمام کار من نظام رساله المیمونة بروز دوشنبه ... سنه

بانجام رسید و تمام باشد بتاریخ بیست و ششم شهر رجب المرجب بجهت استفاده

برخوردار سعادت یار قرة العین فرزند دلبند شیخ نور الله زاد الله عمره و اقباله نوشته شد

